

متون برگزیده کتب لیبرالسیم؛ تو که جریان داری! و می‌روی! تو شیطان خورشید حدیت که بدون اراده می‌رود! تو هوا! نفس! روح! تو بدون محدودیت یا بدون پیوند! تو ذات خاص، تسریع کننده جریان باد! تو روح سرگردان ، پدر همه [شیاطین]! شما می‌درخشید نیروی نفس! شما شیر خورشید! شما نجات دهنده و یاری دهنده! تو ابلیس، پرنده مخفی، حکمت را مصون ساز، که کلمه‌ای در حقیقت باشد و جهان را به وسیله مگیک خلق می‌کند! چه کسی در جای خالی روح ساکن است تو خورشید روحانی! شیطان، تو تک چشم، ای شهوت! با صدای بلند گریه کن! بلند گریه کن! به چرخ، ای پدر من، شیطان، ای خورشید! تو، ناجی! سکوت! راز خودت را به من بده! من را نوش کن، تو فالوس، تو خورشید! شیطان، تو تک چشم، ای شهوت! شیطان، تو تک چشم، ای شهوت! تو خودسویی، خودمختار، بلند، عالی‌ترین! این پروردگار خدایان است این پروردگار جهان است این اوست که باها را می‌ترساند. این اوست با فرمانش صدای خود را داده است که پروردگار همه چیز است. کینگ، حاکم و یاور.

مرا به‌شنو و تمام ارواح را منوط به من قرار ده؛ به طوری که هر روح را بر روی زمین و در زیر زمین، در خشکی و در دریا، و در هوا، و در آتش در حال هجوم و تمام جمعیت‌شان در فرمان من قرار گیرند. ممکن‌ساز که طلسم و مصیبت خدا مطیع من باشد... بدین ترتیب این دستور را کسی انجام خواهد داد که به راز دانش و گفتگوی فرشته نگهبان مقدس (جن ای‌واس، خدایان، شیاطین، لوسیفر) به‌رسد: ابتدا باید محفظه‌ای تهیه کنید که دیوارها و سقف آن به رنگ سفید باشد، و کف آن با یک فرش مربع‌های سیاه و سفید (صفحه‌شطرنجی) پوشیده شود و مرز آن به رنگ آبی و طلایی باشد... «خلاصه»... این نماز حداقل یک ساعت طول می‌کشد و باید به دنبال تجدید آن باشید و خود را در دعا شعله‌ور کنید. بدین ترتیب یازده‌هفته از فرشته نگهبان مقدس خود دعوت می‌کنید، و در هر صورت، باید هفت‌بار در روز آخر هفته یازده نماز بخوانید. سپس، در هنگام دعا، محفظه‌ای پر از نور و غیرقابل تحمل بسیار زیبا و عطر غیرقابل تحمل بسیار حس شیرین خواهد بود.

و در آن لحظه فرشته نگهبان مقدس برای او ظاهر می‌شود،
بله، فرشته نگهبان مقدس برای او ظاهر می‌شود، به طوری
که او را به رمز و راز مقدس آگاه می‌کند. او باید در تمام آن
روز در لذت از کسب دانش و گفتگو با فرشته نگهبان
مقدس باقی بماند... ..خدایی جز انسان نیست. ۱- انسان
حق دارد طبق قانون خودش زندگی کند زندگی به روشی که
می‌خواهد انجام دهد به کار خود همان‌طور که می‌خواهد
زندگی کند همان‌طور که می‌خواهد بازی کند به استراحت
به‌پردازد همان‌طور که می‌خواهد ۲- انسان حق دارد آنچه
به‌خواهد به‌خورد و بنوشد آنچه را که می‌خواهد به سکونت
در جایی که می‌خواهد درآید حرکت کند بر روی زمین
همان‌طور که می‌خواهد ۳- انسان حق دارد که فکر کند چه
خواهد کرد آنچه را که می‌خواهد صحبت کند، آنچه را که
می‌خواهد به‌نویسد، ترسیم کند، نقاشی کند، حک کند،
طاقچه و قالب به‌سازد، همان‌طور که می‌خواهد به‌سازد،
همان‌طور که می‌خواهد لباس به تن کند. ۴- انسان حق دارد
همان‌طور که می‌خواهد دوست داشته باشد: اراده و عشق
خود را مطابق آنچه به‌خواهید، انجام دهید. فرشته نگهبان
مقدس این یک کتاب مقدس است که به وسیله آلیستر
کراولی به وی دیکته شده است.

دیگته‌کننده خود را آیواس نامید و ادعا کرد پیش‌کار هور-پار-کرات[رع/هوروس؛ لوسیفر] است. یعنی پیغام‌رسانی از نیروهای حال‌حاضر حاکم بر زمین که در ادامه توضیح داده خواهد شد. او چگونه می‌توانست ثابت کند که در واقع موجودی مافوق هر نژاد انسانی است و استحقاق سخن‌گفتن با چنین اختیاری را دارد؟ واضح است که باید دانش و قدرتی نشان دهد که در هیچ انسانی یافت نشده باشد که آن را در اختیار داشته باشد. تو را استناد می‌کنم (رع/هوروس؛ لوسیفر-ابلیس-شیطان)، ای بی‌نظیر تو، آن‌که زمین و آسمان‌ها را آفرید. تو، آن‌که شب و روز را ایجاد کرد. تو، آن‌که تاریکی و نور را خلق کرده است. تو بین عادل و ناحق تفکیک کردی. تو زن و مرد را ساختی. دانه‌ها و میوه‌ها را تولید کردی. تو مردان را تشکیل دادی تا یک‌دیگر را دوست داشته باشند و از دیگری متنفر باشند. {شیطان} از نظر تاریخی خدای هر قومی است که شخصاً از آن رضایت ندارید. این "شیطان" SATAN یا HADIT، روح‌عالی در پشت RA-HOOR-KUUIT خدای خورشید پروردگار واحد خاص از جهان ستاره‌ای (شیاطین) است.

از سوابق جادویی (Beast 666) خاطرات کراولی از سال ۱۹۱۴-۱۹۲۰): وقتی من در لوی بودم، آن را به عنوان آئین یا بافومت "شیطان" با سر جانوری رسم کردم. این جانور تاج و تخت بلند مرتبه‌ای دارد. رحم او شهر، بابل است. فرشته نگهبان آیواس، که پس از آن شیطان خوانده شد. بیا، بیا، بیا، ایواز! بیا، تو شیطان پروردگار ما! من می‌خوانم برای خدا، شیطان ما، پروردگار ما، آیواس... و به‌دانید که تمام خوشحالی من، احساس عالی و متعالی، از آیواس به دست می‌آید، که او را شیطان می‌نامیم، و اسم دیگرش اویل است، با صدای بلند، او عشق است. بگذارید کار خود را در مورد کتاب قانون به پایان برسانم؛ باشد که آیواس، از زمانی که او آن را گفت؛ همه اقوام را بیدار خواهد کرد. نیرو خود را در هر زمان با قدرت زمین، آتشین با شعله‌خورشید، مغناطیسی با انرژی ماه و مانند آن که ستاره‌ها می‌درخشند! پس اجازه بده شراب را بنوشند، و همه جهان طعم آن را احساس کنند! همه مردمان به قدرت او اعتراف می‌کنند، با نفس او زندگی می‌کنند، فکرشان این را می‌گویند؛ پروردگار ما شیطان، سخنان آن‌ها، دین تلما، که درباره من "جانور" گفته شده است.

در شانزدهم مارس سال ۱۹۰۴، در اتاق کینگ در هرم بزرگ جیزه، آلیستر کراولی همسرش رز ادیت کلی، در طول مراسم شراب‌خواری وارد یک خلسه شد و بارها به شوهرش گفت: آن‌ها منتظر شما هستند! کراولی توجه زیادی به آن نکرد تا اینکه دو روز بعد، در ۱۸ مارس، پس از کمک خواستن از خدای Thoth، همسرش رز وی به او گفت که کسی منتظر او است به نام هوروس. برای تأیید این موضوع، کراولی او را به موزه Bulaq که در نزدیکی مجموعه ماه عسل آن‌ها قرار داشت، برد و در آن‌جا از وی خواست که ساعاتی را برای او ذکر کند. پس از گذر از تابلوهای بسیاری از خدایان مصری، رز به تصویر هوروس بر روی استیل آشکار اشاره کرد. در آن زمان، این استیل به شماره ۶۶۶، که به تعداد جانوران است. از زمان کودکی این شماره برای کراولی از اهمیت بالایی برخوردار بود. به دنبال این واقعه، در ۲۰ مارس، کراولی با موفقیت از هوروس دعوت کرد. در هشتم، نهم و دهم آوریل ۱۹۰۴، در گرما و آتش عرفانی مصر، در قاهره، آلیستر کراولی کتابی را نوشت که در آن آئین جدید هوروس به وجود آمد و تبدیل به کتاب مقدس جنبش جدید مذهبی شیطان شناخته شده شد.

به عنوان Thelema تحت هدایت همسرش، در طی سه روز، کرولی ظهر در اتاق خود نشسته و یک ساعت را صرف نوشتن پیام‌هایی برای سرانجام بشریت کرد. از طرف روحی که در پشت سر او بود دیکته کرد. آن روح غیر جسمی ایواس، وزیر هور پارار-کرات، فرشته نگهبان مقدس برای کراولی بود. کراولی در کتاب خود با عنوان "اعتدال خدایان" از سال ۱۹۱۳، صدای و حضور او را شرح داد: صدای آیواس ظاهراً از بالای شانه سمت‌چپ من، از دورترین گوشه اتاق بیرون آمد. به نظر می‌رسید صدای خودش را در قلب من به شکلی بسیار عجیب و غریب تکرار می‌کند، توصیف آن دشوار است. من منتظر پیامی مملو از امید یا ترس بودم، متوجه پدیده‌ای مشابه شده بودم. این صدا با شور و هیجان ریخته می‌شد، گویی آیواس نسبت به زمان محدود هوشیار بود ... این صدا از نوعی تنه عمیق، موسیقی رسا بود، لحن‌های آن به صورت جدی، آشفته، دلپذیر، شدید یا هر چیز دیگری متناسب با روحیه پیام بود. از این‌رو در اولین جلسه مبهوت و حیرت‌انگیز بودم. من تصور شدیدی داشتم که گوینده در واقع گوشه‌ای است که به نظر می‌رسد در بدن او ماده‌ی شفاف‌ی به عنوان یک حجاب گاز یا ابر دود تشکیل شده بود.

به نظر می‌رسید که او در سن سی سالگی است مردی بلند و تاریک، فعال و نیرومند که به چهره یک پادشاه وحشی است. لباسش عربی نبود. آشور یا پارسی به نظر می‌رسید، اما بسیار مبهم بود. من توجه کمی به آن داشتم، زیرا برای من در آن زمان آیواس یک فرشته بود، یک موجود کاملاً نجومی و آسمانی. او در قانون کتاب گفت؛ گناهانت را در کلمات عقیف می‌پوشان: این گناهان لوازم منند؛ تو بدرستی عمل کن، و من در این دنیا و آن دنیا پاداشت خواهم داد. من فراتر از شمایم و درون شما، شادی من در وجود شماست. آواز عاشقانه شورانگیز را بر من خوان! عطرهایی برایم بسوزان! برایم جواهرات بپوش! و برای من بنوش، چرا که دوستت دارم! دوستت دارم! متعالَم در قلب تو؛ و باران بوسه‌های ستارگان[شیاطین] بر بدنت شدید فرو می‌ریزند... اطاعت کن پیغام‌بر من! اردالی‌های دانش من را به انجام رسان! فقط مرا بجوی! لذات عشق من تو را از همه دردها رهایی می‌دهد. چنین است: به گنبد بدنم قسم می‌خورم؛ با قلب و زبان مقدسم؛ با هر آنچه می‌توانم به تو بدهم، به همه آن شوقی که به همه شما دارم! من بارقه‌ای هستم که در همه قلوب مردمان می‌سوزد، و در هسته همه ستاره‌ها.

من زندگی هستم، و عطا کننده زندگی. اصلا مترس؛ نه از انسان‌ها و نه از سرنوشت‌ها، و نه از خدایان [ملائکه‌الهی] و نه هیچ چیز مترس؛ نه از غنی و نه از خنده ملت نابخرد، و نه از هیچ قدرتی در بهشت یا در زمین یا در زیر زمین مترس. نو [ابلیس] پناه توست و هدیت [لوسیفر] نور تو؛ و من قدرت، نیرو و توان بازوان تو هستم. در تلما آمده است که هر کس سرنوشت خاص خود را دنبال می‌کند، و مسئول سرنوشت خویش است. کراولی بر این باور بود که عشق و محبت یک قانون است، و باید همواره به آن توجه شود؛ اما عشقی که تحت نظارت عقل و اراده باشد. کراولی بر این اصل پافشاری می‌کند که هر انسانی، آزاد است. ظهور آلیستر کراولی را می‌توان نقطه عطف رشد و گسترش شیطان‌پرستی و جادوگری در غرب دانست. راه‌اندازی مجالس فساد جنسی همراه با موسیقی، مصرف مواد مخدر و جادوگری باعث گردید به او لقب شیطان بزرگ و پست‌ترین آدم روی زمین بدهند.